

گفت‌وگو دنیاچندری

سال‌ها پیش، یک حادثه

شرایط زندگی را برایش تغییر داد و مانع از آن شد تا دنیا را با

آن رنگ و لعابی که دیگران می‌بینند، ببیند. اما این کاهش دید باعث نشد تا نگاهش به زندگی تغییر کند و برعکس مصمم تر هم شد برای تجربه لحظات ناب زندگی که قشنگ‌ترین آن بدون شک ایستادن بر سکوی نخست رقابت‌های پارالمپیک و لمس طلایی بود که باوجود مصدومیتی که داشت، شاید کمتر کسی برایش متصور می‌شد.امیر خسروانی اما نتیجه سال‌ها

تلاشش را با پرشی به رخ کشید که اگر چه خودش را به لحاظ رکوردی راضی نکرد اما خوش‌رنگ‌ترین مدال پارالمپیک را در پرش طول نصیبش کرد تا با دست پر به کشورش بازگردد و به اهدافی بزرگ‌تر بیندیشد؛ اهدافی که اما دوومیدانی‌کار گناوهای خوب می‌داند برای دستیابی به آن باید تلاشی چندبرابر داشته باشد و البته حمایت مسئولانی که برای کسب طلای پارالمپیک حمایت‌های خود را از او دریغ کردند. ■ ■ ■

مصدومیت قبل از پارالمپیک بدترین اتفاقی است که می‌تواند گریبان یک ورزشکار را بگیرد اما این اتفاق گریبانگیر امیر خسروانی شد.

همینطور است. متأسفانه ۲۰ ساله روز قبل از پارالمپیک از ناحیه آشیل پا دچار مصدومیت شدم و حتی قری می‌کردم که نمی‌توانم راهی توکیو شوم، البته این مصدومیت قدیمی و کهنه بود که سه هفته قبل از المپیک بار دیگر آزاردهنده شد. اما حضور در پارالمپیک توکیو برایم خیلی مهم بود و به همین دلیل با همفکری مربی‌ام تصمیم گرفتم پایم را عوض کنم، این ریسک بزرگی بود اما خدا را شکر جواب داد.

یعنی بعد از سال‌ها تمرین و تلاش با یک پا، ۲۰روز به مسابقات شرایط کاملاً تغییر کرد و مجبور شدی با پای دیگر کار کنی.د. این سخت نبود؟

جدا از سخت بودن، ریسک بزرگی بود. به همین دلیل هم در روز مسابقه پرش اولی که انجام دادم خطا شد. اما به لطف خدا توانستم در مسابقات کلاس ۱۲T پارالمپیک توکیو طلای پرش طول را از آن خود کنم.

کسب چهارمین طلای کاروان کار بزرگی بودو ایجاد انگیزه و روحیه برای سایر ورزشکاران. با توجه به مصدومیتی که برایتان ایجاد شد، انتظار ایستادن بر سکوی نخست را داشتید؟

حضور در پارالمپیک و رفتن روی سکو آرزوی هر ورزشکاری است که به صورت حرفه‌ای کار می‌کند. من هم هدف رفتن روی سکوی المپیک بود و بارها آن را برای خود تصویرسازی می‌کردم. البته برای من نقره یا برنز در این رقابت‌ها پیش‌بینی می‌شد. خودم نیز با توجه به شرایطی که داشتم (مصدومیت و تغییر پا) به طور منطقی می‌نگاه می‌کردم به نقره می‌سیدم اما دل و احساسم طلا می‌خواست و چیزی برای به دست آوردن آن کم نداشتم و برای رسیدن به آن تمام تلاشم را کردم و خدا را شکر نتیجه رجمان را گرفتم.

پرواض بود که طلای المپیک خستگی سال‌ها تمرین و تلاش را از تن تان در آورد اما سال‌ها وجود گویا را ز رکوردی که زدید چندان راضی نبودید.

دقیقاً. این طلا خستگی سال‌ها تمرین کردن در شرایط سخت را از تن آدم درمی‌آورد. اما رکورد ۲۱متر و ۷ سانتی‌متر چیزی نبود که مرا راضی کند. البته که رکورد خودم را از رتقا دادم اما انتظار بیشتر از این را داشتم و اگر مصدوم نبودم بدون شک رکورد بهتری می‌زدم اما رکورد بهتر بماند برای مسابقات بعد.

از لحظه‌ای که روی سکو رفتید و شاهد به اهتزاز در آمدن پرچم پرافتخار ایران بودید بگویید که چه حسی داشتید؟

این حس توصیف‌شدنی نیست. فقط ورزشکاران حرفه‌ای که آن را تجربه کردند می‌دانند که آن لحظه چه حسی دارد. چیزی شبیه غرور و افتخار و لذت و شادی. اینکه بتوانید پرچم پر افتخار کشورتان را به اهتزاز در آورید و لبخندی بر لبان مردم کشورتان بنشانید. آن هم در این روزهای سخت که بسیاری عزیزان خود را به دلیل کرونا از دست داده‌اند. حسی نیست که بتوان با کلمات آن را توصیف کرد.

بعد از کسب طلای پارالمپیک اولین کسی که با او تماس گرفتید چه کسی بود؟ دوست داشتید این موفقیت را اول از همه با چه کسی تقسیم کنید؟

اول به مربی‌ام رزگ زد. آقای امیرمحمد سسل میرزایی برای من زحمت زیادی کشیدند و دلم می‌خواست قبل از هرکسی این خوشحالی را با او قسمت کنم و از زمانی که می‌توانستند کاری انجام دهند برای آنکه اندکی از بار مشکلات بکاهند ما این اتفاق رخ نداد. مسیر رسیدن تا طلای المپیک مسیر بسیار دشواری بود. به طوری که گاهی ناامید می‌شدم اما باز هم شروع می‌کردم به تلاش. اما برای رسیدن به موفقیت تنها تلاش و تمرین شما جواب نمی‌دهد و باید یکسری شرایط و امکانات هم فراهم باشد که خوب نبود. اما امیر خسروانی در این مسیر تنها بود. تک و تنها و هیچ مسئولی نه استانی و نه هیچ مسئول دیگری کمک نکرد تا شرایطی بهتر و خیالی آسوده‌تر برای طلای المپیک تمرین و تلاش کند.

حالا با طلایی که کسب کردید و موفقیتی که با خود از توکیو آوردید فکر می‌کنید تغییراتی را شاهد باشید؟

راستش قول‌هایی داده‌اند اما دروغ چرا چشمم آب بود که آدم نمی‌داند از کجا و چگونه باید بگوید. مشکلات مالی، امکانات و عدم حمایت از سوی مسئولان استانی که می‌توانستند کاری انجام دهند برای آنکه اندکی از بار مشکلات بکاهند ما این اتفاق رخ نداد. مسیر رسیدن تا طلای المپیک مسیر بسیار دشواری بود. به طوری که گاهی ناامید می‌شدم اما باز هم شروع می‌کردم به تلاش. اما برای رسیدن به موفقیت تنها تلاش و تمرین شما جواب نمی‌دهد و باید یکسری شرایط و امکانات هم فراهم باشد که خوب نبود. اما امیر خسروانی در این مسیر تنها بود. تک و تنها و هیچ مسئولی نه استانی و نه هیچ مسئول دیگری کمک نکرد تا شرایطی بهتر و خیالی آسوده‌تر برای طلای المپیک تمرین و تلاش کند.

حالا با طلایی که کسب کردید و موفقیتی که با خود از توکیو آوردید فکر می‌کنید تغییراتی را شاهد باشید؟

راستش قول‌هایی داده‌اند اما دروغ چرا چشمم آب

نمی‌خورد. من از این قول‌ها و وعده‌ها زیاد شنیده‌ام اما

که هیچ کدام تا به امروز عملی نشده است. با این وجود اما حرف‌هایی برای درست کردن پیست تارتان زده‌اند که باید دید عملی می‌شود تا نسل بعد از ما با مشکلات کمتری مواجه باشند یا نه؛ چرا که با این شرایط به‌رغم استعدادهای فراوانی که در گناوه و حتی استان بوشهر هست، کمتر کسی سراغ دوومیدانی را می‌گیرد. هر کس می‌آید بعد از چند جلسه تمرین و دیدن اوضاع و شرایط با پس می‌کشد و سراغ رشته دیگری می‌رود. ایرادی هم نمی‌توان گرفت؛ با حداقل امکانات نمی‌توان انتظار دیگری داشت.

به دلیل همین نبود امکانات کافی بود که برای ادامه تمرینات قبل از پارالمپیک توکیو راهی شیراز شدید؟

بله. گناوه پیست تارتان ندارد و برای تمرین هفته‌ای دو سه روز باید راهی بوشهر می‌شدم. فاصله بوشهر تا گناوه دو ساعت بود و وقتی می‌رسیدم، از خستگی راه دیگر نایی برای تمرین کردن نداشتم. نه اینکه شیراز فول امکانات باشد نه. آنجا هم مشکلات و کاستی‌هایی بود اما حداقل پیست تارتان بود. اما این رفت و آمد خیلی آزاردهنده شده بود. در گناوه هم تمرین کردن بسیار سخت بود چون پیست تارتان نبود و خاکی بود آن هم بدون خاک و اصلاً همین زمین بود که باعث مصدومیت‌م شد. در چنین زمینی تمرین کردن درصد مصدومیت را بیشتر می‌کند آن هم برای رشته ورزشی پرش طول که به خودی خود احتمال مصدومیت در آن بالاست.

یکی از نکات جالب توجه در خصوص امیر خسروانی فیلمی بود که بعد از بازی‌های پارالمپیک در فضای مجازی دست‌به دست می‌شد. فیلمی که شما را در حال آماده کردن زمین تمرین نشان می‌داد. این اتفاق هر سوم است یا عدم امکانات قهرمان پرش طول پارالمپیک توکیو را به این کار وا داشته بود و پیامی با این کار برای مسئولان داشتید؟

واقعیتش این فیلم برای دو سال پیش است. همان اوایل شیوع کرونا بود که با گرفتن این فیلم خواستم به مردم شهر و کشور بگویم که در چه شرایطی تمرین می‌کنم. روزهای سختی بود و همه در شوک کرونا بودند و می‌توان گفت روحیه مردم از دست رفته بود. به همین دلیل سعی کردم با گرفتن و انتشار این فیلم در صفحه شخصی خودم

به مردم بگویم که هر گز نباید ناامید شد و دست از تلاش برداشت و خواستم ببینند خودم هم در شرایط سختی تمرین می‌کنم و اینطور نیست که بخواهم امیدواهی به آنها بدهم و بی‌جهت امیدوارشان کنم. خواستم ببینند خودم هم دست از تلاش برنمی‌دارم و روحیه جنگندگی آنها را برای زندگی بیدار کنم. و گرنه با وجود کمبود فاحش امکانات این فیلم هیچ پیامی برای مسئولان نداشت اما آنها که باید حتماً با دیدن این فیلم در خواهند یافت که ورزشکاران با چه شرایطی برای کسب مدال‌ها و عنوان‌های مختلف تلاش می‌کنند. بعدها این فیلم از صفحه من کپی و دست به دست شد.

پایان کار قهرمان پرش طول ایران در توکیو بود یا به تکرار این موفقیت در پارالمپیک بعدی می‌اندیشید؟

خب بدون شک این پایان کار نیست. رسیدن به قله بهترین اتفاق است برای یک ورزشکار حرفه‌ای. این بالاترین مدالی بود که می‌توانستم بگیرم. اما وقتی مژه چیزی زیر دندان شما رفت دیگر به سادگی از آن نمی‌گذرید. تکرار طلای پارالمپیک و دبل کردن هم بدون شک اتفاقی است که هر ورزشکاری بعد از کسب طلای رقابت‌هایی چون پارالمپیک بدان می‌اندیشد. هدفی که البته دستیابی به آن کار چندان ساده‌ای هم نیست، مشکلات مسیر را یک سو و تلاش دیگر رقبا از سوی دیگر کار را سخت‌تر از نخستین مدالی می‌کند که کسب کردید. اما من حالا علاوه بر این، به حضور در مسابقات افراد سالم می‌اندیشم و مدال‌آوری در این رقابت‌ها.

یعنی امیر خسروانی می‌خواهد بعد از زهر انعمتی دومین پارالمپیکی ایران باشد که برای حضور در المپیک هم تلاش می‌کند؟

بله، چرا که نه. از مدت‌ها قبل به این مسئله فکر می‌کردم اما هنوز تجربه‌اش نکردم. ولی بعد از طلای پارالمپیک توکیو می‌خواهم تمام تلاشم را برای حضور در رقابت‌های افراد سالم بگذارم.

این تصمیم با چه واکنشی از سوی مسئولان مواجه شد؟ آیا استقبالی شد؟

البته هنوز مصدوم هستم و قبل از هرچیزی باید به فکر برطرف کردن کامل مصدومیتی باشم که دو سالی است گریبانگیرم شده و در توکیو نیز آزاردهنده بود. بعد از آن باید خود را از لحاظ ذهنی و بدنی برای رقابت با افراد سالم آماده و سپس به طور جدی این مسئله را مطرح کنم. هنوز این تصمیم مطرح نشده که بخواهد با واکنش یا استقبالی روبه‌رو شود.

این شبی که کار ساده‌ای نیست. فکر می‌کنید بتوانید از عهده آن بر آید؟

تلاشم را می‌کنم. انسان به امید زنده است. هیچ کاری ساده نیست. ۲۰روز قبل از المپیک مصدوم شدم و فکر نمی‌کرد بتوانم راهی توکیو شوم. به دلیل شرایطم می‌خواستم در مسابقات انتخابی و رکوردگیری شرکت نکنم. وقتی هم که شرکت کردم از شش پرش فقط دو پرش انجام دادم برای جلوگیری از تشدید مصدومیتی که داشتم اما باز رکورد هفت متر و ۲۱ سانت که در حد نفر دوم جهان بود حد نصاب را به دست آوردم. می‌خواهم بگویم کار نشد ندارد و باید تلاش کرد. البته که به حمایت‌هایی هم نیاز هست اما برای رسیدن به هدف باید خیلی خیلی تلاش و کار کرد و من نشان دادم که مرد عمل هستم و برای رسیدن به خواسته‌هایم می‌جنگم.

از دغدغه‌های قهرمان پرش طول پارالمپیک توکیو بگویید. دغدغه‌هایتان چیست؟

ورزشکاران حرفه‌ای مشکلات زیادی دارند. این تنها مختص پارالمپیکی‌ها یا من نیست. المپیکی‌ها هم

گفت‌وگوی «جوان» با امیر خسروانی قهرمان پرش طول پارالمپیک توکیو

مدالم را تقدیم مردم کردم تا قدردان محبت‌شان باشم

اشتغالزایی ورزشکاران باید از سوی مسئولان انجام شود



مشکلات زیادی دارند و خیلی‌ها شاید مشکلاتشان به مراتب از من هم بیشتر باشد. اما به جرئت می‌توانم بگویم که اصلی‌ترین دغدغه ما شغل است و هزینه‌های هنگفتی که داریم. شغل ما ورزش است اما از این راه درآمدی نداریم و تنها دو ماهی که در اردو بودم حقوق دریافت کردم. آن هم حقوق ناچیزی که از آن مالیات هم کم می‌شود و اصلاً کفاف هزینه‌های ما را نمی‌دهد. حالا شما فکرش را کنید که بعضی‌ها زن و بچه هم دارند. چطور با این شرایط می‌خواهند امورات خود را بگذرانند و همه فکر و ذهنشان را متمرکز ورزش و موفقیت در آن بکنند؟ دغدغه من آرامش ذهنی است و داشتن شغلی که بتوانم با گذران زندگی بی‌هیچ فکر و خیالی برای موفقیت در ورزش تلاش کنم.

مشکلات زیادی دارند و خیلی‌ها شاید مشکلاتشان به مراتب از من هم بیشتر باشد. اما به جرئت می‌توانم بگویم که اصلی‌ترین دغدغه ما شغل است و هزینه‌های هنگفتی که داریم. شغل ما ورزش است اما از این راه درآمدی نداریم و تنها دو ماهی که در اردو بودم حقوق دریافت کردم. آن هم حقوق ناچیزی که از آن مالیات هم کم می‌شود و اصلاً کفاف هزینه‌های ما را نمی‌دهد. حالا شما فکرش را کنید که بعضی‌ها زن و بچه هم دارند. چطور با این شرایط می‌خواهند امورات خود را بگذرانند و همه فکر و ذهنشان را متمرکز ورزش و موفقیت در آن بکنند؟ دغدغه من آرامش ذهنی است و داشتن شغلی که بتوانم با گذران زندگی بی‌هیچ فکر و خیالی برای موفقیت در ورزش تلاش کنم.

اما طبق تغییراتی که در مصوبه استخدام قهرمانان ورزشی ایجاد شده است، قانون جذب قهرمانان حالا طلایی‌های پارالمپیک را هم شامل می‌شود.

بله. اما این بدان معنی نیست که شما یک شغل خوب و ثابت دارید. باید مدام این در و آن در بزیند. سراغ این مسئول. آن مسئول بروید. رو بزیند تا شاید، شاید کاری از پیش برود. الان خیلی از قهرمانان المپیک هم هنوز نتوانستند با استفاده از این مصوبه شغلی برای خود پیدا کنند چه برسد به پارالمپیکی‌ها که تازه طلایی‌های آن شامل حال این قانون شدند! ایجاد شغل باید از سوی خود مسئولان انجام شود نه اینکه ما مدام پاشنه در این اداره آن اداره را در بیاوریم تا شاید اتفاقی رخ دهد، دری به تخته بخورد و بتوانیم شغلی پیدا کنیم. این واقعاً درست نیست. ورزشکاران باید تمام دغدغه‌شان تمرین کردن باشد اما وقتی شغل و درآمدی ندارند چطور می‌توانند تنها‌روی تمرین کردن و هدفی که دارند متمرکز شوند؟

معلوم است که دل پری دارید.

ببینید ما می‌گوییم ورزش سلامت جامعه را تضمین می‌کند و موفقیت‌های ورزشی به خصوص پارالمپیکی‌ها امید را به جامعه تزریق می‌کند و جامعه معلول و جانباز را تشویق می‌کند برای شکستن حصار تنهایی و انزوا اما برای مهیا شدن شرایط هم باید قدمی برداشت. شاید شرایط من از خیلی‌ها بهتر باشد اما نبود امکانات باعث شد تا به تنهایی از گناوه راهی شیراز شوم. با هزینه شخصی خودم خانهای بگیرم برای تمرین کردن زیر نظر مربی. پیدا‌های خورده و خوراک، ایاب وذهاب،هزینه‌هایی که یک ورزشکار حرفه‌ای دارد و هزینه‌های سنگین مربی که چهار سال نتوانستم رتالی به او پرداخت کنم. اینها مشکلات روزمره اما سنگینی است که گاهی باعث ناامیدی ورزشکاران حرفه‌ای می‌شود که برای خوش‌رنگ‌ترین مدال در مهم‌ترین مسابقات تلاش و تمرین می‌کنند.

یعنی بر ایسن باورید که حمایت‌های مادی و معنوی می‌تواند بسیاری از مشکلات را بردارد و موفقیت‌های بیشتری را رقم بزند؟

صدرصد. شما نگاه کنید اگر گناوه پیست تارتان داشت، من مجبور بودم راهی بوشهر و شیراز شوم؟ طی کردن این مسیرها و تصمیم به سکونت در شهری دور از خانواده هزینه‌های مضاعف روی دستم می‌گذاشت؟ از لحاظ روحی، روانی و ذهنی به دلیل دوری از خانواده با مشکل مواجه می‌شدم؟ مطمئناً که نه.

اسا پاداش‌ها می‌تواند تا حدودی گره از مشکلات باز کند.

بله، به شرط اینکه شما ناچار نباشید بیش از ۶۰درصد پاداشتان را بابت قرض‌هایتان پرداخت کنید. من شخصاً چهار سال است که به مربی‌ام ریالی ندادم و مقروضم. علاوه بر آن بدهی‌های بسیاری برای خرید مکمل‌ها و...

دارم که بعد از پرداخت آنها شاید حتی کمتر از ۴۰درصد

آن ۲میلیارد تومانی که گفته می‌شود قرار است پرداخت

شود، می‌ماند. یا ۴۰درصد باقیمانده چه می‌توانم بکنم.

برای ادامه تمریناتم هزینه کنم یا برای تهیه مسکن؟ یا آن

چه می‌توانم بکنم الا؟ بله ۲میلیارد تومان به زبان زیاد

استرس زیادی وارد می‌کرد. هر آن بیم آن می‌رفت که با مثبت شدن تست از جریان مسابقات کنار گذاشته شوم و این خیلی آزاردهنده بود و گاهی اجازه نمی‌داد راحت بخوابیم. با این وجود اما سعی می‌کردم با حفظ روحیه عملکرد خوبی داشته باشم. از سوی دیگر می‌دانستم حریفان قدری در کلاس ثبت ۱۲ که با حضور ۱۰ ورزشکار از کشورهای آذربایجان، کوبا، سوئد، ازبکستان، آلمان و بلاروس برگزار می‌شد دارم. اما این رقابت تجربیات با ارزشی برایم داشت که بدون شک در ادامه مسیر کمک شایانی برای کسب موفقیت‌های بعدی به من خواهد کرد.

امیر خسروانی دوومیدانی را چطور توصیف و معنا می‌کند؟

دوومیدانی کار بودن یعنی رسیدن به غیرممکن‌ها، یعنی همیشه از خانواده دور بودن، یعنی ناامید شدن در اوج سختی، یعنی تشنه شدن در تابستان زیر تمرینات طاقت‌فرسا، یعنی نداشتن تضمینی برای آینده، یعنی زندگی در محدودیت، یعنی ترس از مصدومیت، یعنی دوهایی تا سرحد مرگ، یعنی اسپیدلاکتیک، یعنی سرکوفت‌های پدر، یعنی دلپره‌های مادر، یعنی آس و پاس بودن، یعنی دورترین هدف، یعنی نابود شدن استعداد، یعنی ریاضت کشیدن‌های بی‌وقفه و البته یعنی عشق. یعنی اگر عشقش را نداشته باشید نمی‌توانید دوام بیاورید زیر فشار تمریناتش. دوومیدانی کار شدن یعنی افتخار و من افتخار می‌کنم که دوومیدانی‌کار هستم.

استارت ورزش را با فوتبال و بسکتبال زدید. چه شد که سر از دوومیدانی روی آوردید؟

خب من فوتبال و بسکتبال را تفریحی انجام می‌دادم. اما از آنجایی که دایی‌هایم دوومیدانی کار بودند به این ورزش علاقه‌مند شدم و به آن روی اوردم.

وقتی به دوومیدانی روی آوردید تصور می‌کردید که روزی خوش رنگ‌ترین مدال را در یکی از مهم‌ترین مسابقات دنیا در این رشته کسب کنید؟

راستش اولین بار در دوی ۲۰۰متر پرش طول بوشهر بود که موفق به کسب مدال شدم و این شروع راهی بود که شاید آن روزهای نخست نمی‌دانستم مرا به کجا می‌برد اما بعد از مدتی با تعیین هدف برای خودم به مدالی فکر می‌کردم که هر ورزشکار حرفه‌ای آرزوی کسب آن را دارد. مدال المپیک که البته برای رسیدن به آن سال‌ها تلاش کردم. نخستین مسابقه بین‌المللی من سال ۲۰۱۳ بود. مسابقات آسیایی در مالزی که موفق به کسب برنز جوانان شدم. از سال ۲۰۱۷ اما به طور مداوم در مسابقات بین‌المللی حضور داشتم و به رفتن روی سکوی پارالمپیک می‌اندیشیدم. خصوصاً بعد از طلای بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی که سال ۲۰۱۷ در یاکو برگزار شد. طلا و نقره پرش طول و ۱۰۰ متر مسابقات جایزه بزرگ که سال ۲۰۱۷ در کشور چک برگزار شد، برنز بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا و نقره ۱۰۰ متر مسابقات جهانی لهستان در سال ۲۰۱۹ که سهمیه حضور در پارالمپیک توکیو و رنک ۲ جهان را به دنبال داشت از دیگر موفقیت‌هایی بود که تا پیش از پارالمپیک



۲۰۲۰ موفق به کسب آن شدم اما آنچه می‌توانست مرا راضی کند تنها مدال المپیک بود، آن هم خوش‌رنگ‌ترین آن که به لطف خدا به دست اوردم.

تعویق پارالمپیک و موج منفی که بعد از آن به راه افتاد تأثیری در انگیزه و روحیه‌تان برای حضور در نخستین بارالمپیک نداشت؟

نه، به اخبار منفی توجهی نداشتم و این اتفاق را به فال نیک گرفتم. اتفاقاً تعویق المپیک برای من خوب شد چون توانستم با برطرف کردن نقاط قوت خود با شرایطی به‌مراتب بهتر در این رقابت‌ها شرکت کنم و بهترین نتیجه را کسب کنم. همیشه باید نیمه پر لیوان را دید.

چه شد که تصمیم گرفتید متدالتان را به مردم تقدیم کنید؟

خب آدم برای هر جایی که باشد به مردمش تعصب و عشق دارد. مردم در طول این مدت خیلی پیگیر من بودند و دلم می‌خواست تا نوعی از آنها بابت حمایت‌هاشان و روحیه‌ای که به من می‌دادند تشکر کنم و بعد از کسب مدال بهتر این کاری که می‌توانستم بکنم تقدیم کردن به مردم آنها بود. به همین دلیل طلای پارالمپیک را که بهترین نتیجه به دست آمده در عمر ورزشی‌ام بود، به مردم کشورم به خصوص مردم بوشهر و گناوه تقدیم کردم تا در این بوضع کرونایی که بسیاری داغ‌دیده و غمگین بودند را خوشحال کند. خواستم به مردم کشورم، استان و شهرم بگویم که چقدر ممنون محبت‌هاشان هستم و

امیر خسروانی دوران ورزشی سختی داشته، فکر می‌کنید بتوانید روزی تجربیاتان را در اختیار مردم بوشهر و گناوه بگذارید و سهمی در شکوفایی استعدادهای این استان داشته باشید؟

آرزو دارم گامی برای بچه‌های بوشهر و گناوه بردارم.

بوشهر و گناوه مملو از استعدادهای ناب است و امیدوارم

بتوانم روزی با حمایت‌هاشان تمام تجربیاتم را برای

افتخار آفرینی آنها در اختیارشان قرار دهم و به عنوان

مربی کنارشان باشم.